

زنگنه

فصلنامه علمی، فرهنگی، سیاسی

شماره ۲۹ پاییز ۱۳۹۲



صاحب امتیاز:

لجمن فرهنگی تبلور اندیشه

مدیر مسئول:

سید سالم حسینی

سر دپیرا:

سید مصطفی موسوی مبلغ

هیئت تحریریه:

سید علی حسینی، سید حسین حسینی، سید محمد هاشمی، رفیع عاوی، فاطمه خاوری، مصطفیه حیدری

طراحی و صفحه آرایی:

حامد یقه‌وی

ویراستار:

فاطمه خاوری

همکاران این شماره:

سید صالح علی پور، عباس سالمی، سید کمیل مومن زاده

هدایت الله حسینی

عنوان:
کتاب: نو از کله مقالات ارسی در معرفت مرتبط با فصلنامه
لستگذاری کرد
نظریه ها و دیدگاه های آنده در این فصلنامه ضرورتاً تکمیل و موضع
کردشده توپیست
بارگوی و قلم مطلب و نظریه های این فصلنامه با ذکر منبع بدین
محل سی تا ده مقالات ارسی بارگذاری شد
کردشده نو از بارگذاری و تقدیم و تقدیم و تقدیم و تقدیم و تقدیم
می کند
www.tabalwir.com
www.FB.com/tabalwir
۰۹۰۴۰۸۶۷۶۷۱ - ۰۹۰۴۰۸۶۷۶۷۲

آدرس: کلمله: ۰۱-سن-قلعه وزیر، سمت چپ، درب دوم، نسبه غلام زاده
کلیلیل: بر جی، گولا بی، مهتاب قلعه، چب شواری مدیریت حوزه علمیه افغانستان، سید یاقوت حسینی

هرات: شهرک جوزپل، چهارده متري، بالا بعد از مجتمع اذکاری، علی طفر زاده

هرات: شهرک جوزپل، بعد از کتابخانه رسلت، (جزیره) چهارراه دوم سمت چپ، درب سوم، سید محسن حسینی

مزار شریف، اول کارته وحدت، (رو به روی اده مردمی خورد کابل)، لیسه خصوصی دخترانه مهر

سید ابراهیم سادات مرتضوی
پاصلیان: یکه ولنگ، زیگ، شهر تو نقش هیئت سازمان مال متحده، سید یاود فتاح

مشهد: گلشهر، اندیمه مونین، ایلاک ۳۷، انجمن فرهنگی تبلور اندیشه

فهرست

| | |
|----|--|
| ۱۷ | سینمای افغانستان در جسیجوی هوب و دوسعه |
| ۱۵ | رسانه‌های تصویری؛ کتاب‌منهای برنامه |
| ۱۴ | رسد کفی؛ حلقه مفقود رسانه‌های افغانستان |
| ۱۶ | رسالت فراموش سده رسانه‌ها |
| ۱۸ | ذره بین اخلاق بر عملکرد رسانه‌ها |
| ۲۲ | لپود بخش نولند، معضل ناوز بون ملی هرف |
| ۲۰ | مطبوعات افغانستان؛ از انحصار طلبی دانکتر گرامی |
| ۲۸ | طرزی و بوئی سازی روزنالسیم در افغانستان |

مقاله

بدون تردید تعبکس واقعیت‌های اجتماعی و تقویت آگلی عمومی، از مقوله‌هایی است که امروزه بخش عده‌آن از طریق رسکه‌ها صورت می‌گیرد. رسکه‌ها، با تمام نوع آن، وظیفه منتقل فرهنگ و ارزش‌های جامعه را بر عهده دارند و نفوذ و تأثیرگذاری این دستگاه عظیم بر زندگی بشر، لفمیت پرداختن به آن را آشکار می‌سازد.

امروزه رسکه‌ها، به عنصری مهم از فرهنگ جامعه تبدیل شده‌اند، به گونه‌ای که بسیاری از واکنش‌های افراد جامعه را می‌توان از تأثیرات رسکه‌ها دانست.

فرگیری رسکه‌ها کار رابه آنجا کشته است که هر گله نهاد، ارگان و یافرده را می‌بینیم که نمی‌خواهد خود را در قالب شلاخون‌های این مقوله جای دهد، در لظاًر ما عجیب و نسلالم و دارای اختلال جاوه می‌گذارد. و در این جا است که می‌بینیم رسکه‌ها تا چه حد در عوام زدگی فرهنگ کمک می‌گذارند.

مولفان این تقدیم رسکه‌ای، ا نوع رسکه را پنجه‌ای روبه جهان می‌دانند و معتقدند که رسکه‌ها حکم نقطه مرکزی در گفتگوها و مراودات نسلی را دارند. از رهگذر این دریچه است، که ارزش‌های حاکم بر فرهنگ و روابط نسلی دستخوش تغییر شده و به راحتی می‌توان گفت خودآگاهی اجتماعی رسکن‌ها در این عصر به وضوح دیده می‌شود.

پس از ساقط شدن حکومت طالبان و در دوران حکومت انتقالی افغانستان در سال ۲۰۰۱، قانون جدید مطبوعات در افغانستان شکل گرفت. قولین جدید به نوعی حالت تحصیری رسکه‌های جمعی مثل رادیو، تلویزیون و مطبوعات را از اختیار دولت سلطان کرده و جواز راه‌رانی این رسکه‌ها را از طرف بخش‌های خصوصی به رسمیت شناخت و همین مساله سبب شد که رسکه‌ها رشدی قارچ گونه داشته باشند. در این میان سهم رسکه‌های نوشتاری و مطبوعات بیشتر از رسکه‌های دیداری و شنیداری است.

همین امر موجب می‌شود تا نگلفی ویژه و دقیق به رسکه‌های افغانستان داشته باشیم و این موضوع را بانگاهی همراه با تأمل بررسی کنیم. زیرا رشد رسکنه‌ها، آن هم در کشوری که از لحاظ اجتماعی دوران ناسامانی را طی می‌گذارد، از جهتی مثبت است و از طرف دیگر تأثیرات منفی و غیر قابل حیرتی را از خود در جای بگذارد.

به عبارت دیگر، رسکه‌ها در عصر حاضر حکم تبع دولیه ای را دارند که نوع کاربرد آن بر افکار عمومی بسیار حائز لفمیت است. خروجی رسکه‌ها می‌تواند از طرفی مغرب جامعه بلند و جملعه را به سمت ابتذال فرهنگی و شاعه فرهنگ لایحی گردید و سوق دهد و از سوی دیگر قادر است نقش نسلی در توسعه همه جلیلیه کشور و به وجود آوردن جامعه ای اگاه و هوشیار ایفا کند.

همچنین رشد کمی مطبوعات و ا نوع رسکه‌های دیداری و شنیداری در افغانستان، بدون در نظر داشتن کیفیت و محتوای مناسب، مساله ای است که بسیاری از کارشناسان مسلمان رسکنه ای را نگران کرده است. زیرا وقتی کشوری بدون در نظر گرفتن بسترها موجود، فقط به رشد کمی رسکنه‌ها نظر داشته باشد، قطعاً از لحاظ محتوا دچار مشکل خواهد شد و محتوای سطحی می‌تواند شالوه فرهنگی آن جملعه را تهدید کند. چرا که ممکن است در صورت عدم تعذیه صحیح، به الگوبرداری تلاirst و تقليد های نابجا روی آورند؛ و متسلسله باید بگوییم اکثر رسکه‌های افغانستان، به این مساله مبتلا شده‌اند.

اهمیت این مبحث، خصوصاً در کشور افغانستان موجب شده که فصلنامه «الدیشه نو» در شماره بیست و نهم (باییز ۱۳۹۲) به موضوع «افغانستان و رسکه» بپردازد و این مساله را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار دهد. این دواریم توپسته باشیم قلمی در راه اعتلای فرهنگ رسکه‌ای در افغانستان برداریم.

فیلم‌های ملی می‌بینیم | سیاستی، اجتماعی، فرهنگی | همراه با پیشخوان

زنده

۲





امروزه با وجود پیشرفت های
تکنیکی زیاد در سینمای معاصر
جهان و مبدل شدن آن به یک
صنعت پر درآمد و پر رونق،
سینما در افغانستان به عنوان
یک هنر پیش پا افتاده و
بی ارزش تلقی می گردد

سینمای افغانستان

در جستجوی هویت و توسعه

سید سلیمان حسینی



از سال هفتاد الی هشتاد
و یک خورشیدی، نه تنها
سینما، بلکه همه عرصه‌ها
در افغانستان دحلو بدترین
حالت بوده است

معمول از سینما به هنر هفتم در جهان یاد می کنند، سینما عاملی برای شناساندن ادب و فرهنگ هر کشوری برای دیگر کشورهای جهان است.

شرکت سینمایی به نام «لغان فیلم» با همکاری آمریکا پا به عرصه هنر هفتم در افغانستان نهاد. موسسه «لغان فیلم» گرچه یک مرکز دولتی بود، اما توپوت اقدامات مناسبی انجام نداد که طی آن، فیلم سازان آملوور کشورمان به تولید فیلم های مستند و گزارشی روی آوردند.

چرخ تولیدی لغان فیلم از سالهای پایانی دهه چهل به رله می افتد، اما نبود تجربه کافی و عدم درک لحیمت سینما از نگاه اجتماعی - اقتصادی توسط حکومت، باعث می گردد تا تخلف چند سال دیگر هم حکومت وقت به آن اهمیت ندهد. در واقع این دهه شصت خوشبودی است که از دکسوس حکومت وقت به اهمیت سینما جهت لستفاده لزاری برای تبلیغات ایندیلوژیک به نفع خود پی می برد، و از سوی دیگر هم تجربه قیلم سازی تا حدی کسب می گردد و حتی نسل جدید تری، سینما را به صورت اکادمیک در اتحاد جماهیر شوروی وقت و کشورهای دیگر فرا می گیرند که پیش زمینه ای برای تولیدات بیشتر بعدی فراهم می گردد.

نهضه شصت به پایان می رسد، اوضاع مملکت از لحاظ سیلی متین شوند و با سقوط رژیم داکتر تجیب کاریه سینما ها و تولیدات سینمایی از دور خارج می شود، تا اینکه در دوران مجلهدین فقط یک فیلم نسبتاً باند ساخته می شود. جنگ ها آغاز می گردد و برای سینما فجایع مستقیم و غیر مستقیم به بار می آورند. شرایط طوری می گردد که دغدغه اصلی لسان ها فقط رنده مدنک می شود و بس در آن صورت هنر سینما برای چندین سال نه تنها در فهرست اولویت های زندگی قرار نمی گیرد، که به کلی فراموش می گردد. سینما گران و هنرمندان از کشور فراری می گرند، هر پیشه های زن با مخالفت ها و تعصبات شدید مواجه می شوند و بالاخره سینمای افغانستان با چند فیلم متوجه جوان مرگ می گردد.

در طی سال های جنگ، سالن های سینما تخریب شده و آرشیو فیلم ها به غارت برده می شود. در این حال قیلم سازان افغانستان با فرار از کشور، در ممالک دیگر دست به فعالیت های

چند دهه است که کشورهای جهان در راستای ارتقا و پیشرفت هنر هفتم خود، کارها و اندامات فراولی تجام می دهند. تمدن های باز سینمای جهان را می توان هالا وود و بالیوود دانست که در طول سال، با مصارف بسیار هنگفتی، اقدام به ساخت فیلم های متفاوت می نمایند و در آن فیلم ها، چهره های جدید و درخشان دنیای سینما را معرفی می کنند.

امروزه با وجود پیشرفت های تکنیکی زیلا در سینمای معاصر جهان و مبدل شدن آن به یک صنعت پر درآمد و پر رفاقت، سینما در افغانستان به عنوان یک هنر پیش پا افتاده و بی ارزش تلقی می گردد، ویرانی ها و فقر اقتصادی و فرهنگی، صلحه زیلا بر پیکر سینمای ما وارد نموده است و قریباً همه دار و ندار فرهنگی کشور از این مساله بی تضییب نمایند است. وجود سرمایه گذاری و امکانات، نقش مهمی در پیشرفت این لزار قدرتمند دارد، که در شرایط کنونی ما با فقدان آن روبه رو هستیم.

اما موضوعی که بسیار زیاد در فیلم های افغانی و سینمای افغانستان وجود دارد، تک محوری بودن فیلم هاست، از سوی دیگر، سینما هنوز به یک فرهنگ فراگیر ملی مبدل نگردیده است. تحقق هر دو امر به فرصت زیاد، سنجش تدبیر درست و دقیق، و پیش از همه به یک برنامه وسیع ملی تیازمند است. کارهایی که تاکنون در زمینه سینما صورت گرفته است اکثرًا مقطوعی بوده و بدون شک نمی توان لنتظار پیش از حد از آن داشت؛ گاه و ناگاه بر گارای کارگله (تدویر ورکشاپ ها) و سمینارها، نمایشات و نقد و بررسی فیلم در حد محدود و تولید فیلم ها با سطح پایین، از جمله فعالیت هایی است که در چند سال اخیر جریان داشته، لاتکریک عمیق و موثر بر مخلط بیلی نداشته است.

اگر بخواهیم به مختصر تاریخچه سینمای کشور پردازیم، باید بگوییم، اولین فیلم افغانی در هندوستان ساخته شد و مربوط به سال ۱۹۴۹ میلادی است. در سال ۱۹۶۶ اولین



سطح دانش سینمایی و مطالعات اجتماعی آنان و تا جایی هم به مخلطب و بازار فروش محصولات شان، که به هر اندازه سطح بیننده و تمثاچی پایین بلند و تقاضای فیلم های پیش پا افتخاه و مصروفی زیاد شود، به همان اندازه از لذیشه و لبتکار خلاقله فیلم سازی کلسته می شود.

عدم حضور متقدیین سینمایی، تبود جشنواره های معرف و تشویقی، تبود مرآکز آموزشی تخصصی هنر و تکنیک های سینمایی، پایین بودن سطح سوک آموزشی، اقتصاد ضعیف و بی توجهی دولت در این عرصه، از جمله عواملی لذ که دست به دست هم دله، بحرانی رادر سینمای کشور به وجود آورده لد. فیلم سازان تازه کار مملکت ما، بدون در نظر داشت سطح دانش و تکامل اجتماعی مردم هند، سعی بی جهت می نمایند تا با تقلید های ناگفته از فیلم های آنان، به کارشان رونق بدهنند.

حالات سینما در صورتی کسب می گردد که تقطعا و عرضه تولیدات سینمایی در بین جامعه به یک نیاز همگلی و بخشی از فرهنگ مردم مبدل گردد. کاری که در هند و آمریکا صورت گرفته است. سینما در یک جمله، زمانی جایگاهش را می یابد که نیاز به آن احساس شود. به هر لذای که نیازمندی به سینما احساس شود، به همان لذای زمینه لکشاف و پیشرفت آن میسر می گردد و تکامل آن زمانی است که چه از لحظ اقتصادی و چه از لحظ فرهنگی، به بخشی از فرهنگ همگلی مبدل گردد، به حدی که فرد فرد جامعه با آن ربطه برقرار نماید.

متلسفانه شرایط فعلی نشان می دهد که سینمای مابه سمت نامعنوی در حرکت است که زیاد امیدوار گتنده تیست و بهتر است سینما را مطلب نیازها، فرهنگ، اقتصاد و مردم خوش به کار گیریم.

کشور هایی که امروز سینمایشان در سطح رقبت های جهانی حرفی برای گفتن دارند، سینما را نظر به خواست زمان، از یک سرگرمی عمومی

لفرادی می رزند که با در نظر داشت شرایط فیلم سازی در کشور های بیگانه، این فعالیت ها را نمی توان بسیار مفید و چشم گیر ارزیابی کرد.

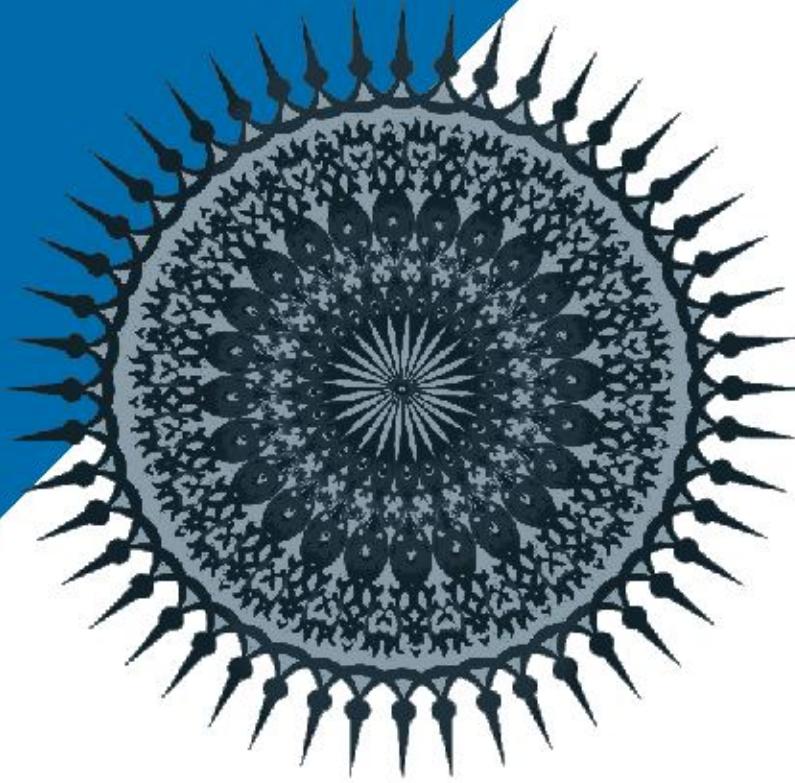
یکی از دست آوردهای مثبتی که طی این سالها می توان در عرصه سینما نام برده، تحصیلات اکادمیک سینمادر کشورهای مختلف و به وجود آمدن نسل جدیدی از فیلم سازان جوان افغان است، که در دوران مهاجرت، با سعی و تلاش انفرادی شان خود را به جایی رسانده اند.

از سال هفتادی هشتاد و یک خورشیدی، تنهای سینما، با که همه عرصه ها در افغانستان دچار بدترین حالت بوده است که پنج سال حکومت طالبان، مرگبار ترین ضربه را بر پیکر آن وارد کرده است. در این دوره تاریک، تبلو نمودن فیلم و تصویر و از بنین بردن قسمتی از آرشیو افغان فیلم، فاجعه بار ترین در خورده است که با سینمای نوجوان ما صورت گرفته است. اماده حال حاضر، بعضی از فیلم سازان و سینما گران مابا اراده ای مصمم به کشورشان بازگشته و دست به کارشده اند، اما دیگر زمان فرق کرده است و پیکر فاجعه سینما که سال های زیادی رادر بستر نا آرامی به سر برده دچار مشکلات فراوانی است.

تبود هویت مشخص:

در اکثر تولیدات فعلی فیلم در کشور ما، چیزی به نام هویت مشخص احساس نمی شود. فیلم های فعلی با سردرگمی و بدون خط فکری مشخص ساخته می شوند. در فیلم های حال حاضر، اکثر کاراکتر های نایخنده و پرداخت نشده ای را می بینیم که ته جذبیت دارند و ته تأثیر گذاری و ملبدگاری. در اکثر فیلم های تولیدی افغانستان، به جز رگه هایی از تقلید ناگفته و بدون پشتوله فکری از فیلم های مختلف، خلاستا هندی، چیزی دیگری به چشم نمی خورد و این تعکاس دهنده سردرگمی فیلم سازان می باشد. شاید علت آن برگردد به پایین بودن





حتی پول هم به سازندگان فیلم بپردازند، بدون اینکه چیزی از القبای سینما بدانند، تولید شده روله بازار می گردند و صدمه جبران نا پذیری را بر تام و نشان سینمای افغانستان وارد می کنند. جالب اینکه این دسته از فیلم سازان از پخش سی دی فیلم هایشان بیز درآمد چندلی تدارند. در سیستم پخش و توزیع فیلم هادرکشور، ته معیار درست و صحیحی وجود دارد و نه قانونی.

این فیلم ها ارزش و تولمندی حضور در جشنواره های بیرون مرزی را تدارند تا لاقل از آن طریق به بازار های پخش بین المللی راه بینند، ولی با پایین بودن کیفیت این فیلم ها، باز هم این فیلم سازان مورد عنایت مستولین و بعضی از پیشتران سینمای کشور قرار می گیرند و به جای رفاهمنایی های سالم و نقد و بررسی دقیق آثارشان، ویا آموزش دهنی آنها، با تشویق های بی مورد، آنان را از مسیر اصلی منحرف می سازند.

دسته دوم فیلم هایی ند که به عقیده سازندگان برای جشنواره ها ساخته می شوند که ممکن است از نگاه کیفی مقدار کمی بهتر از دسته اول باشند و بعضی از معیارهای فیلم سازی در آنها مد نظر گرفته شود، ولی آنها بیز بدن پشتوله مستقل فکری و با دیدگاه های سطحی به مسائل ساخته می شوند. این فیلم ها بعضاً دستخوش تقاضاهای بیرونی و یا فرمایش دهنگان داخلی و خارجی می گردند. این مساله باعث می گردد که چنین فیلم هایی، هم برای مخلطبان داخلی نا آشنا باشند و هم برای خارجی ها هویت مشخصی از افغانستان ارکه نکنند.

امید است تا این مشکلات و معضلات، در مسیر توسعه سینما از چشم مستولین مردوده دور نماید و بیش از پیش به این مهم توجه نمایند.

شرع کرده، آهسته آهسته آن را به حدی در بین مردم ترویج نموده اند تا به یک پخش لاینک زندگی روزانه مردم مبدل سازند، یعنی در اوایل سینما مطلق میل مردم عالم که اکثریت تمثیل افغانستان را تشکیل می داشت در حرکت بوده و کم کم، با تقاضای مردم، بازدهی و گردش چرخ بقای آن، خود به خود شکل گرفته و آن زمانی است که دیگر نیازی به تحمیل آن نیست، بلکه فقط باید حرکت آن را کنترل کرد و مسیر پیشرفت آن را سمت و سواد.

حال اگر موضوع بحث رابر سینمای افغانستان منطبق کنیم باید بگوییم: تفکر و ندیشه، اسلس سینما و اقتصاد، پشتیبان آن است، که این دو فاکتور را به هیچ وجه نمی توان در سینمای امروز افغانستان دید. اگر فیلم های فعلی افغانی، به گونه فرمایشی ساخته می شوند، و در پس آنها هیچ گونه ندیشه ای که فراخور افغانستان باشد دیده نمی شود.

استفاده از هنر و صنعت فیلم سازی:

سینمادر طول تاریخ پیدا یشی، برای اهداف مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، گله این اهداف سیاسی و تبلیغاتی بوده اند و گله اقتصادی و تجارتی، در حالی که در تولیدات فیلمی سالهای اخیر کشور ما، هیچ گونه هدف مشخصی در پس آنار به مشاهده نمی رسد.

اگر دقت نماییم در دوران حضر در افغانستان به صورت کلی دو دسته فیلم ساخته می شود، اول فیلم هایی که به باور سازندگان شان تجاري اند و به صورت آشکار از سبک و سیاق فیلم های هندی تقلید می نمایند، که معمولاً این دسته از فیلم ها برای بازار داخلی و تمثیل افغانستان پایین جلعه تولید می شود. این فیلم ها معمولاً با هزینه کم، کیفیت پایین و استفاده از کسلی که به خاطر ظاهر شدن در یک نقش، حاضرند

-
- اولین تلویزیون خصوصی افغانستان، در ولایت هرات واقع در غرب کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی بنام «سیمای غوریان» آغاز به کار کرد. هرچند که این شبکه، فرستنده کوچکی در اختیار داستولی باخس پر نمایه های منفلوت، توانسته بود، عدالت مخاطبین اندک خود را بر منطقه تحت پوشش در شهرستان غوریان ولایت هرات افزایش دهد.



رسانه های تصویری کثر منهای برنامه

گزارشی از وضعیت رساله‌های تصویری در افغانستان:

به کار کرد و این بار، نام «تلوزیون ملی» را به خود گرفت، در حالی که همچنان به عنوان رساله اصلی تبلیغات حکومتی شناخته می‌شود. در شکل و محتوای برنامه‌های تلویزیون ملی، تغییرات چندانی به وجود نیامده و حتی نوع اجرای برنامه‌های خبری و سیاسی آن، به همان شیوه‌های گذشته صورت می‌گیرد. هرچند کشورهای زاپن و آلمان تلاش هایی برای توسعه تلویزیون ملی افغانستان صورت دادند، اما این تلویزیون به دلیل تنشی کادر متخصص، توانست در جذب مخاطب موفق باشد.

تلوزیون‌های خصوصی:

اولین تلویزیون خصوصی افغانستان، در ولایت هرات واقع در غرب کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی بنام «سیمای غوریان» آغاز به کار کرد. هرچند که این شبکه، فرستنده کوچکی در اختیار نداشت، ولی با پخش برنامه‌های متفاوت، توانسته بود، تعابد مخاطبین لذک خود را در منطقه تحت پوشش در شهرستان غوریان ولایت هرات افزایش دهد.

مردم شمال افغانستان که به تلویزیون دسترسی نداشتند، در زلوبه سال ۲۰۰۴ میلادی در شهر «شیرغان» شاهد تولد یک رساله خصوصی تصویری به نام «آینه» بودند. این شبکه با همکاری مختصصلن ټرکیه آغاز به کار کرد و با پوشش پنج ولایت شمالی، به مردم این مناطق اجازه داد تا طعم یک رساله آزاد را خسارت کنند.

آینه، که در ابتدا به زبان ټرکمنی و اریکی برنامه پخش می‌کرد، مقداری رنگ و بوی غربی داشت و مردم افغانستان را با ساختار و نوع جدیدی از رساله و برنامه‌ها آشنا کرد.

مردم شهر کابل نیز در سال ۲۰۰۴ میلادی شلقدر از انتشار اولین تلویزیون خصوصی به نام «لغان تی وی» بودند. این شبکه در ابتدا با پخش صدای خوشنودگان زن و برنامه‌های تقریحی توانست در میان شهروندان کابل

زمان زیادی از آغاز به کار تلویزیون در افغانستان نمی‌گذرد. این رساله تلوزیونی ملند دیگر رساله‌های افغانستان، تاریخ پر فراز و نشیبی را طی کرده است. اولین شبکه تلویزیونی افغانستان در سال ۱۹۷۹ میلادی افتتاح شد و در حال حاضر نیز بیش از پنجاه شبکه محلی و سرتاسری به فعالیت‌های رساله ای مشغول هستند. در این گزارش به وضعیت رساله‌های تصویری در افغانستان می‌پردازم:

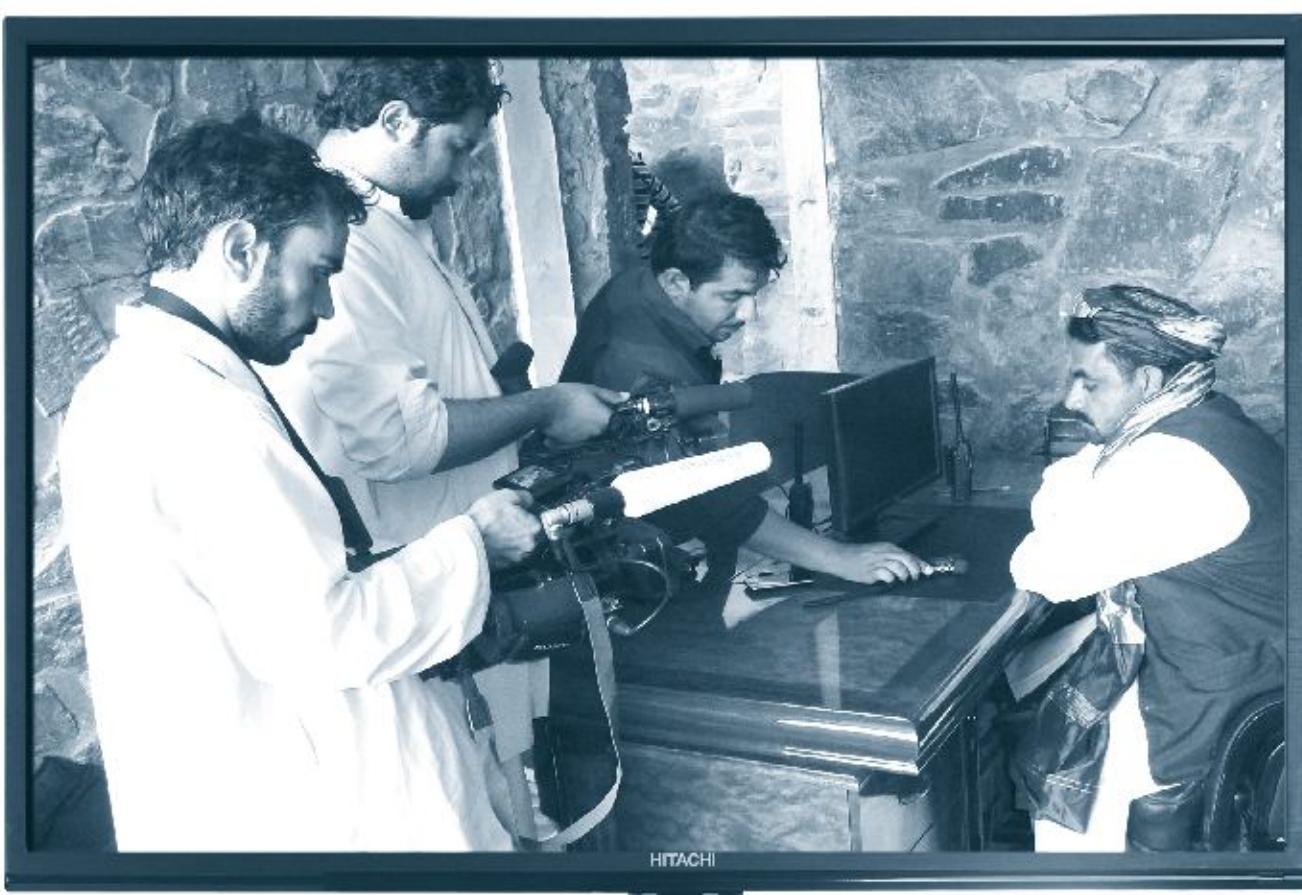
صلاحیان تلویزیون‌های افغانستان:

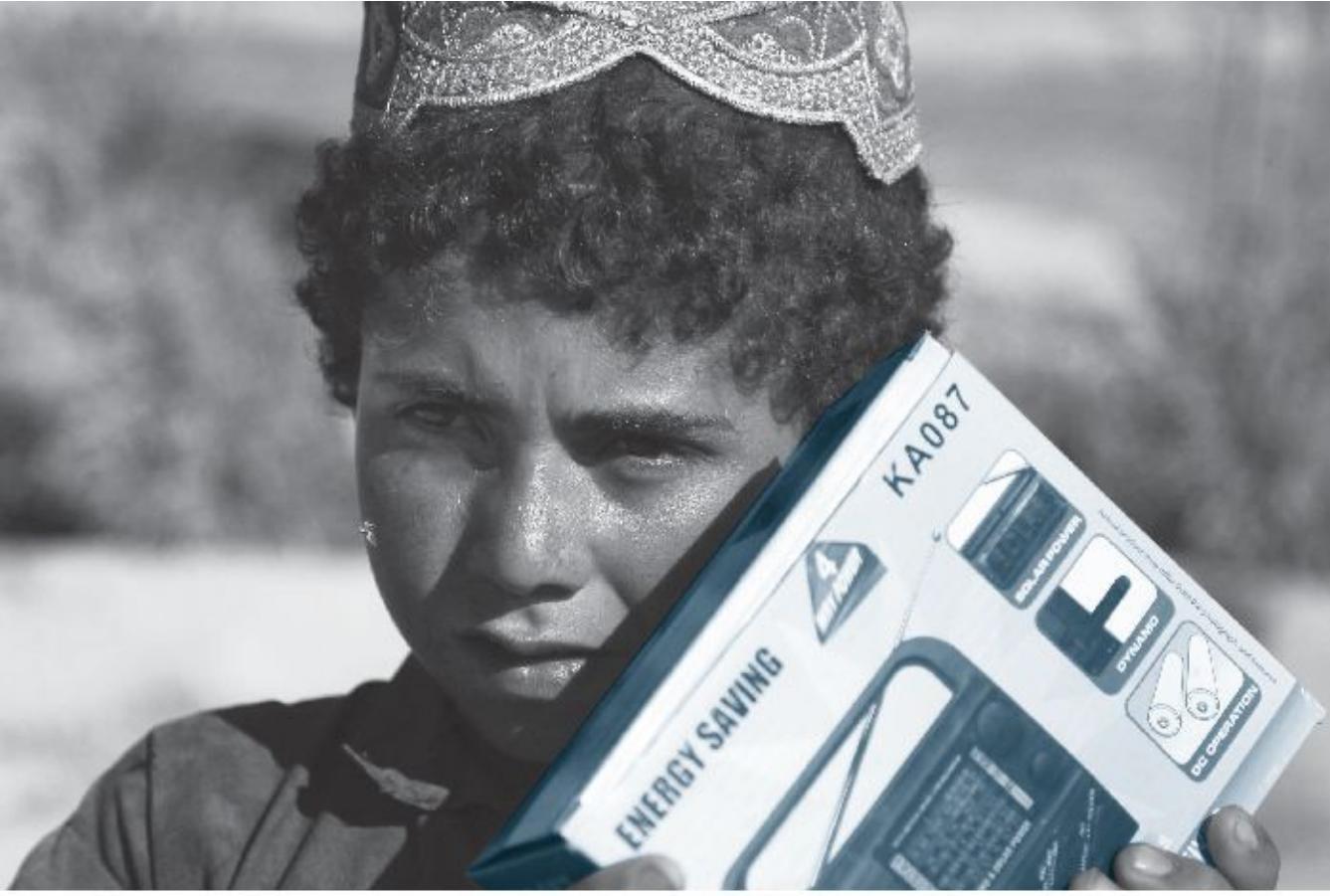
در افغانستان عمده تلویزیون‌ها به سه گروه، تقسیم‌بندی می‌شوند: تلوزیون دولتی یا ملی که شاخه‌های آن، در بسیاری از ولایت‌های افغانستان نیز وجود دارد. دوم، تلویزیون‌هایی که از سوی احزاب سیاسی و برخی شخصیت‌های با نفوذ راه انداری شده‌اند و سوم، تلویزیون‌های خصوصی که به دلیل سود آوری فعالیت می‌کنند، ولی در عین حال از کمک‌های جملعه جهانی و نهادهای بین‌المللی هم درخوردارند.

تلوزیون دولتی:

این تلویزیون که پیشینه آن به سال ۱۹۷۹ بر می‌گردد، تحسین ایستگاه تلویزیونی در افغانستان است که به کمک کشور زلین ساخته شد. کار این ایستگاه تلویزیونی در زمان محمد داود، رئیس جمهوری پیشین افغانستان آغاز شد ولی خودش شلقدر افتتاح آن نمود. افتتاح این تلویزیون پس از کودتای ۷ دور به وسیله کسلی صورت گرفت که محمد داود را به قتل رساند و به جای او به قدرت رسیدند.

از همان زمان تا به امروز تلویزیون دولتی افغانستان روزگار خوشی نداشته است. زمانی این تلویزیون به مهم ترین حریه سیاسی و ایندیلوژیک زمامداران تبدیل شد و زمانی هم طالبان، که لامان رامهر و موم گردند. لما پس از سقوط رژیم طالبان، تلویزیون دولتی افغانستان یک بار دیگر آغاز





بیننده هلی رانیز پیدا کند.

مولع و مشکلات:

مهم ترین مشکل افغانستان در گسترش برنامه های تلویزیونی برق است، در صورت رفع این معضل می توان شلحد راه نتایزی تلویزیون های خصوصی بیشتری بود. طبق آمارهای ارایه شده، فقط ۱۱ درصد جمعیت افغانستان به برق دسترسی نارند.

کشت رسانه های دیناری در افغانستان، به مشکل بی برنامه کاری در این رسانه ها منجر شده است. تلویزیون های افغانستان در عرصه کیفیت برنامه ها چندان موفق عمل نکرده اند. حتی برنامه های سیاسی و خبری آنها فیزی به مشکل یکتاوختی دچار است. لین تلویزیون ها عمدتاً تلاش می کنند که با ساختار های نه چندان پیچیده برنامه بسازند. شاید دلیل آن، نداشتن مکالمات فنی پیشرفت، استودیوی های مجهز و قادر مجرب باشد.

تلویزیون های افغانستان عمدتاً رویداد محورند و کمتر تلویزیونی را در این کشور می توان سراغ گرفت که به سمت برنامه های تحقیقی و تحلیلی درود.

این بعضی از شبکه های استند که تلاش می کنند به مسلسلی قرار از رویداد های روزمره توجه کنند، اما هنوز از فرهنگ رسانه ای موضوع محور در این کشور خبر نمی نهد. مخاطب شناسی که امروزه بحث جدی در رسانه ها است، کمتر از سوی رسانه های دیداری در افغانستان جدی گرفته می شود.

باتمام امیاراتی که تلویزیون های خصوصی افغانستان دارند به علت مشکلات مالی و کسب و کاری نیروی انسانی برای تهیه و تدوین برنامه ها، تحرفه ای شدن راه درازی را در پیش رو دارند.

ذذدیک به هفتاد رسانه دیداری در این کشوری که ذذدیک به یک دنه پیش، به عنوان کشور بدون تصویر در جهان شناخته می شد، می تولد نشلگر چه چیزی باشد؟ برخی این رقم را با نوعی کنایه بازتاب داده اند، در حالی که شماری از آگهان رسانه ای، این کمیت رانشی از فضای باز سیاسی در کشور می دلند. به هر حال امیدواریم اوضاع رسانه های دیداری در افغانستان بهبود یابد و تلویزیون ها با توجه به تیارهای جملعه برنامه های خود را تنظیم کنند.

این شبکه که دستگاه فرستنده آن، با هزینه ۲۰۰ هزار دلار از تابوان خریداری شده بود، اکنون به دلیل ضعف در برنامه سازی و همچنین کیفیت پایین تصویر، توقیف شده است با سایر تلویزیون های خصوصی در کشور رفاقت کند.

در آکتبر سال ۲۰۰۴ میلادی تلویزیون خصوصی «طلاع» به بازار رسانه های تصویری کشور افزوده شد. این رسانه با به کارگیری فیروهای جولان را ارایه کند و همچنین طلاع تلاش کرد که از طرقی طیف های مختلف اجتماع را خود داشته باشد و از طرف دیگر برنامه های نو و مطباق سلیقه جولان را ارایه کند و همچنین با پراخته بمسائل سیاسی و انتقادی، مخلطیان خاص خود را داشته باشد.

در ۱۶ آگوست سال ۲۰۰۵ میلادی فعالیت تلویزیون خصوصی «آریلا» آغاز شد، که رویکردی همانند طلاع داشت و توافق است با برنامه های متعدد و امکالات زیاد، مخاطبین لازم را پیدا کند.

یکی دیگر از شبکه های مطرح افغانستان، «تلویزیون تمدن» است که در سال ۲۰۰۷ میلادی توسط آیه الله محمد آصف محسنسی، یکی از رهبران سیاسی - مذهبی افغانستان راه نداری شد. این شبکه برخلاف سایر شبکه های تلویزیونی خصوصی افغانستان، از پخش موسیقی پرهیز می کند و محتوای این شبکه را بستر مسلسل دینی تشکیل می دهد.

هر چند حمایت کنندگان مالی تلویزیون های خصوصی در افغانستان متفاوت هستند، ولی از نظر برنامه روزی تفاوت چندی نمی توان در کار آنها دید.

رویدادهای افغانستان و جهان، پخش موسیقی، فیلم ها و سریال های خارجی، از عمدت درین برنامه های این رسانه ها می باشد که در تمام شبکه های تلویزیونی مشترک است. در شبکه های خصوصی تلویزیون افغانستان، توجه به برنامه های ووژه زنل، جولان، علمی، تاریخی، معرفی چشم ندارهای طبیعی، گفتگو با فعالان عرصه سیاسی و خبر رسانی از جایگاه خاصی در خود دارد.

افغانستان، مالکیت، چاپ، نشر و اداره مطبوعات به طور کامل در اختیار دولت قرار داشت. پس از حدودنیم قرن از پیدایش نخستین نشریه دولتی، به تدریج حوزه نشر نشریات دولتی از حوزه شهر کابل، پایتخت افغانستان فرادر رفت و قضا برای پیدایش نشریات خصوصی نیز مساعد گردید.

ازدهه ۱۳۳ هجری شمسی که پای نشریات حزبی و گروهی در افغانستان باز

اگر نظام های سیلیسی حاکم بر افغانستان را از بتدای پیدایش مطبوعات تا کنون در نظر بگیریم، می توانیم آنها را به نظام سلطنتی، نظام جمهوری های خودخوانه و نظام اسلامی تقسیم بندی کنیم.

نظام سلطنتی افغانستان، که پادشاه در رأس امور مملکت قرار داشت، دقیقاً یک قرن بر مطبوعات کشور سایه افکند. در تیم قرن اول تاریخ مطبوعات

■ سید صالح علی بور

رشد کیفی حلقه مغقوده توسعه رسانه ای در افغانستان





اقدام به تبلیس نهادهای مختلف رسله ای صورت گردد، قطعاً آن نهاد از لحاظ محتوا دچار مشکل خواهد شد. لذا هم اکنون شاهدیم که اکثر رسله های کشور، اعم از پیداری و شنیداری و ... با محتوای سطحی رو به رویست.

متلاً ترویج مطبوعات و پترنی که به نوعی، پازل چینی و جدول پر کنی تقاضیدی راشیوه کار خود قرار داده لند، با کاربرد واژه های غیر معمول در زبان، صدمه جبران ناپذیری را پیگیر فرنگ، لعبات و زبان جامعه وارد ساخته لند. از طرفی رسانه های شنیداری و دیداری هم اگر با تمثیر کر بر زمینه های مورد تباز شکل نگرفته بشنند، مطمئناً فقط به لذت اقتصادی خود تدبیشه و برای برونو رفت از مشکلات مالی، به پخش فیلم های تکراری، تقاضیدی و عامه پسند روی آورده تابتوانند روی پایمند و در این میان، ضعف زمینه های تخصصی ممکن لست آن هارا از تویید برنامه های موردن تباز جمله خود دور بدارد.

علاوه بر آن، نبودن پرستن قوی و همچنین ولستگی های خصل آنان، از مسائل مهمی است که در حال حاضر بر سر راه رساله ها قرار دارد، که این امر در رساله های کشور حتی صدای کارشناسان و متخصصین عرصه رساله ای را هم در آورده است. این مساله موجب شده، بسیاری از کارشناسان این عرصه، تسبیت به جریان مخرب و سطحی سازی در رساله های کشور به مقولات مستشوی هشدار دهنند و خواهان چاره سازی در این زمینه شوند.

البته در این میان لسته‌نگاری تیز هست؛ روزنامه‌ها و جرایدی وجود دارد که از طرف افراد مخلص و آگاه و هوشمند، که به منافع ملی کشور می‌اندیشند صورت می‌گیرد.

به هر حال، باید این نکته را مذکور شد که پیشتر قلت کمی رساله‌ها،
اگرچه خود مساله‌ای مهم و قلیل تقدیر لست، اما در موارد آن، باید به
بعد کیفی هم توجه کامل داشت و محتوای رساله‌ها را بر طبق تیازهای
جامعه تنظیم نمود.

شد، مردم افغانستان توسط مطبوعات حزبی مورد تهاجم و بمباران شدید ایندیوازیکی قرار گرفتند.

در دوره حاکمیت جمهوری های خودخواسته که با کودتای محمد داود در سال ۱۳۵۲ آغاز می گردد، نظام کمونیستی بر مطابعات افغانستان سایه افکند و آزادی بیان به شدت محدود گردید. این مساله باعث شد که بسیاری از روزنامه نگاران ترک دیار کنند و در عالم مهاجرت در چارچوب احزاب یا به صورت آزاد نسبت به منتشر تحریرات اقدام نمیکنند.

در سه مین دوره نظام های سیلی افغانستان، که دولت اسلامی توسط مجاهدین تشکیل گردید، اختلافات گروهی باعث شد که هرج و مر ج مطابعه ای که از زمان پیدایش نشریات حزبی آغاز شده بود، در این دوره تقویت شود و در دوره های بعدی نیز ادامه یابد.

ورو در طالبان به عرصه سیلی افغانستان علاوه بر این که موجب حذف کلی تاوبیزیون از زندگی مردم افغانستان شد، سخت گیری هایی را نیز برای مطبوعات به دنبال داشت. پس از تحولات ۱۱ سپتامبر و روی کار آمدن دولت لتفالی و همچنین دولت اسلامی افغانستان به ریاست حملد کرزی، جنب و جوش مطبوعاتی و رسانه ای در افغانستان افزایش یافت و فعالیت های رسانه ای افغانستان وارد عرصه جدیدی شد.

در یک دهه گذشته و پس از سقوط طالبان در افغانستان، شلخد رشد چشمگیر رسانه های بوده ایم و آکنون رسانه ها در افغانستان از بعد کمی به عنوان شخصی در منطقه مطرح هستند.

با این اغاز تحولات جدید در سال ۱۳۹۰، بستر مناسبی برای کارهای رسله ای در کشور به وجود آمد، به گونه ای که می توان گفت به هر میزان که در گذشته، عرصه فعالیت های رسله ای در افغانستان با محدودیت مواجه بود، در دور جدید زمینه مساعد شده است تا این نهاد تأثیر گذار اجتماعی، با پایه های قوی از این فضای فعالیت های آزادانه و مؤثر قدر نماید.

مهباشدن چنین فرصتی موجب شده که فرد زیلای اقدام به تأسیس رسانه تمایند، که هر کدام از این رسله ها لفاف و لگیزه های خاص و رویکرد های گوآگون دارند و مطلق با نظرات خود بر تابعه ارایه می کنند.

در چند سال اخیر، رسله های زیلای (چایی، شنیداری، دیداری و ...)، به وجود آمده است و تعداد زیلای از آنها فعلاً بیز فعال می باشدند. هم اکنون خبر گزاری ها، تاوزیون ها، رایو ها، رسله های چایی و شبکه های اینترنتی بسیاری در کشور فعال می باشند که در اکثر بخش های برون نظرات مستقیم حکومت، و در یک محیط نسبتاً آزاد، فعالیت هایشان را قابل می کنند.

البته باید توجه داشت که رشد کمی مطبوعات و انواع رسانه ها، بدون اهتمام به کیفیت آنها، امری است که ممکن است در آینده کشور را با بحران مواجه کند. زیرا وقتی بدون در نظر گرفتن توان و ظرفیت کشور،

رسالت فراموش شده

رسانه ها

■ سید مصطفی موسوی مبلغ

«تولید رضایت»، امروزه یکی از مسائل مهمی است که کارشناسان عرصه رساله در خصوص آن بحث می کنند. این مساله قبلاً انکار نیست که امروزه برخی از ظرفیت های رسانه ای به ابزار هایی برای کنترل توده مردم تبدیل شده اند، تا طبقه حاکم بتولید بدون اعمال نیروی فیزیکی، جریان عمومی را با خود همراه کنند.

تغییر مسیر رسانه ها و ولستگی آنها به مراکز قدرت، درست از زمانی آغاز شد که قدرت ها، بی به لهمیت رسانه در جامعه برداشت و دریافتند که پیشبرد اهداف بلند مدت، بدون همراهی رسانه ها امری ناممکن است. این تغییر مسیر، هم در کشور های توسعه یافته و هم در کشور های در حال توسعه به چشم می خورد که البته باشد وضع همراه است.

البته شاید به دور از لصاف باشد که بگوییم تمام رساله هایه مردم پشت کرده اند و از وظیفه اصلی و اولیه خود، که اطلاع رسانی و شفاف سازی مسائل مختلف است، دست کشیده اند. اما مساله اصلی، جریانی است که در بین رساله ها به یک سنت تبدیل شده و آن، پیوند رسانه ها با مراکز قدرت و طبقه حاکم است. قطعاً در چنین فضایی کارکرد اصلی رسانه زیر سوال خود رفت و رسانه ها ارزش خود را از دست خواهند داد، زیرا باید مطبق معادلات قدرمندان حرکت کنند.

این درحالی است که رساله، اگر از قدرتی برخوردار بشد، به ولسطه جایگاهی است که در بین مردم دارد. حال اگر رسانه ها این قدرت را در راستای دفاع از حقوق مردم بکار نبرند، قطعاً جایگاه و قدرت خود را در میان مردم از دست خواهند داد. این موضوع، باعث

نشیبی را طی کرده است، اما با همه فراز و فرودی که داشته اند، تاثیری غیر قبل انکار در تاریخ معاصر افغانستان و جریلات مختلف ملی بر جای گذاشته است.

آپله مهم می نماید این مطلب است که در حال حاضر، رسانه های افغانستان به سوی انحصاری شدن پیش می روند و به عبارتی دیگر، گاه به تربیون ایندولوژی قدرت سیاسی طبقه حاکم مبدل شده اند. در واقع اکثر رسانه ها به سمت ولستگی به مراکز قدرت پیش می روند و نقش به حرکت در آوردن و همگون کردن افراد جامعه با خواسته های قدرمندان را بازی می کنند. این در حالی است که وظیفه اصلی رسانه ها، اطلاع رسانی بی طرفانه به مردم، و بازگویی حقیقت است.

این شرایط بیشتر در موقعیت هایی پیش می آیند که تعادلی میان مردم و حکومت وجود ندارد، یا منافع مردم در تضاد با منافع مراکز قدرت بلند. چنین رسانه هایی در گزینش مطالب خود، تنها به بازتاب رویداد هایی می پردازند که نقطه تلاقی و برخورد منافع مردم با طبقه حاکم نباشد. این چنین است که برخی از رسانه ها، که قبل از تبدیل کننده قدرت به نفع مردم بودند، اکنون واقعیات جملعه را بر نمی تابند و گاه اموری را ترسیم می کنند که دردی از مردم را دوانمی کند.

ترویج افکار و
عقاید طبقه
حاکم و

هروری بر کارگرد رساله ها در عصر حاضر، بر این واقعیت صحة می گذارند که رسانه ها با تمام نوع آن، به عنصری قدرتمند در جهت دهنی افکار توده مردم و نقش آفرینی در عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مبدل شده اند.

بسیاری از کارشناسان مسائل رسانه ای عقیده دارند، امروزه رسانه ها مهم ترین عامل تغییرات اجتماعی هستند و در پیدایش عادات تازه و شکل گیری فرهنگ های جدید منطقه ای و جهانی نقش مهمی ایفا می کنند. رسانه ها در نظام های مردم سالار، یکی از ارکان دموکراسی محسوب می شوند و در نظام های توپالیتر نیز، به عنوان یکی از چهار ستون اصلی حفظ و اعمال قدرت، ایفای نقش می کنند.

رسانه ها در
افغا نستان ،
تاریخ پر
فران و

•

•

•

•

•

•

•

•

•

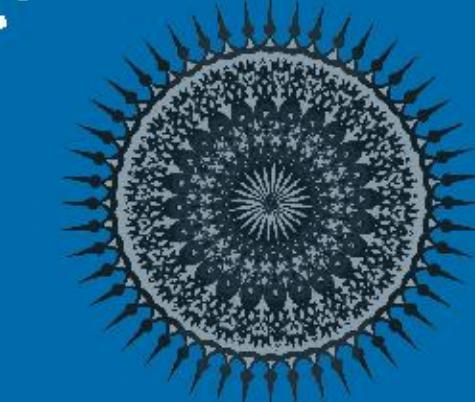
•

•

•

•

•



اولین تلویزیون خصوصی
افغانستان، در ولایت هرات
واقع در غرب کشور در سال
۲۰۰۳ میلادی بنام «سیما»
خوربان «آغاز به کل کرد.

ایجاد
شکافی
عمدی

بین مردم و رسانه ها
می شود و این گسل عظیم
نتیجه ای جز بی اعتماد مردم
به رساله ها را در بر ندارد.

اگر رسانه ها صرفاً خود را وسیله ای
برای بیان پیام حکومت و ایده های
طبقه حاکم بدانند، شکاف آنها با مردم
بیشتر می شود و در نتیجه اعتماد مردم
به آنها از بین خواهد رفت. پس جا دارد
که لاهی رساله، رسالت اصلی خود را
فراموش نکرده و استقلال اقتصادی
و سیاسی خود را در برابر جریان های
قدرت حفظ کند.

شکی نیست که رساله ها به دلیل
تأثیر گذاری که بر مخاطب دارند،
یکی از ارکان لساسی حیات
فکری و بقای معنوی
جوامع محسوب می
شوند و بسیاری
از گذاره های

آنان
مورد
استفاده
قرار گیرند، و
هم می توانند سهم بزرگی
در ایجاد لگیزه و حرکت جامعه
به سوی پیشرفت داشته باشند و وسیله
ای باشند تا فرهنگ عمومی به وسیله آن
پایه ریزی شود و گسترش یابد.

با تمام این اقوال، آنچه بدیهی به نظر می
رسد، آن است که پیدایش دگرگونی ها
و تعیین ارزش های اجتماعی، از مواردی
لست که در نتیجه ای کارکرد رسانه ها
تحقیق می یابد، از سوی دیگر با در نظر
گرفتن تسلط قدرتمندان بر بازار های
رسانه ای و این سخن که: «الناس عای
دین ملوكهم»، (روايت پیامبر صلی الله
علیه و آله و سلام، کشف الغمة، ج ۲، ص
۲۱) باید بر عملکرد رسانه ها حساب
بود تا خروجی آن امری مطلوب و مطلبی
با آرمان های اسلامی باشد.

به عبارت بهتر می توان گفت
رساله ها کارکردی دو سویه
دارند؛ هم می توانند در
جهت خدمت به
طبقه حاکم و
ترویج افکار
و عقاید

• ملتمد نه
• مدیده
• سیمی
• فرنگی
• علمی
• ملتمد نه
• مدیده
• سیمی
• فرنگی
• علمی



ذره بین اخلاق بر عملکرد رسانه ها

سیدهدایت الله حسینی

- تعریف واحد و مخصوصی از اخلاق رسنله ای وجود ندارد، زیرا اخلاق رسنله ای مجموعه مقرر آنی نیستند که به صورت مدنون نوشته شده بلکن در هر جماعتی، مطابق با هنجرها و ارزش های رایج آن جماعت تعریف و ارتقا می شود ولذا اخلاق رسنله ای در هر فرهنگی متغیر است.



اجتماعی و ارزش های فرهنگی و دینی جامعه، شاخصه برخی از رسالت های حاضر است. نشر برنامه های بی محتوا و تقلیدی و بدون پشتونه فرهنگی، باعث شده است که کودکان و نوجوانان ما، قهرمانان غربی را الگوی خود قرار دهند در حالی که مادر کشور و تاریخ خود، فرزلگان و اندیشمندان و مفاخر علمی، هنری و فرهنگی بی شماری داریم که شایسته الگو شدن هستند.

بنابراین، باید یذیرفت که اخلاق رسالت ای توسط برخی رسانه ها به صورت گسترش نقض می شود. گاه برخی از رسانه ها موجب تشویش اذهان عمومی می شوند و گاه ممکن است امنیت ملی کشور به خاطر محتوای برخی از رسانه ها، به مخاطره بیفتد.

برخی از رسانه های ما در برنامه ها و گفتمان های خود ترجیح می دهند تا بیشتر از چهره های جنجال آفرین و مباحث جنجالی پهنه برند تا از چهره هایی علمی و مباحثی آکادمیک، برنامه های طنز و سرگرمی نیز، به جای آنکه واقعاً طنز و دارای محتوایی طنز گونه باشند، گاه از حد فکاهه گذشته و به هجو و هزل و گاه به داشتمان می رستند و به یک ضد ارزش تبدیل می شوند.

این درست است که صاحبان شرکت های رسالت ای حق دارند تا آزاده به فعالیت های رسانه ای پردازند، روزنامه نگاران حق دارند تا از آزادی بیان برخوردار باشند و مردم حق دارند تا به اطلاعات دسترسی داشته باشند و صدای های متفاوت را بشنوند، اما تمام اینها دلیل نمی شود که بعضی از مسائل اخلاقی زیر یا گذاشته شود.

این مساله درست است که ما از آزادی بیان دفاع می کنیم و مصطله برای حفظ و گسترش آن تلاش می ورزیم، اما باید توجه داشت که گاهی با برداشت های نادرست از این واره، آزادی بیان با مسئله حریم خصوصی افراد، امنیت ملی و هنجارها و ارزش های اجتماعی، خلط می شود. ما نباید آزادی بیان را محدود بسازیم، اما در حالات مهم فوق، علاوه بر قانون، اخلاق هم باید مد نظر قرار بگیرد؛ چیزی که معمولاً در کاغذ نوشته نمی شود و با تحکم و اولمر دولت و مسئولین امنیتی هم اجرایی نخواهد شد و این خود اصحاب رسانه هستند که باید آن را بر اساس وجودن کاری خود رعایت کنند.

عملکرد رسانه ها در جریان کار حرفه ای آنان، هم می تواند

تعريف واحد و مشخصی از اخلاق رسانه ای وجود ندارد، زیرا اخلاق رسانه ای مجموعه مقرراتی نیستند که به صورت مدقون نوشته شده باشند؛ اخلاق در هر جامعه ای، مطابق با هنجارها و ارزش های رایج آن جامعه، تعريف و ارائه می شود و لذا اخلاق رسانه ای در هر فرهنگی متغیر است.

با توجه به این مساله باید گفت تدوین و تعریف اصول کلی اخلاق رسانه ها، به سادگی تدوین اصول و قواعد کلی حقوق رسالت ها نیست. نه حقوق می تواند جای اخلاق را بگیرد و نه اخلاق قادر است جای حقوق بنشیند، اما حقوق و اخلاق، مکمل هم هستند. با این وجود، حتی اگر قولیں رسانه هایه اندازه کافی، گویا باشند، رعایت برخی اصول اخلاقی توسط رسالت ها ضروری به نظر می رسد.

در دایرة المعارف بین المللی ارتباطات، اخلاق رسالت ای شاخه ای جدید از اخلاق حرفه ای دانسته شده است؛ حوزه ای از اخلاق عملی که بخش هایی نظری اخلاق روزنامه نگاری، اخلاق در رسانه های صوتی و تصویری، اخلاق در محتوای فیلم، اخلاق در نقاشی و هنر های تصویری، اخلاق در اینترنت و ... را شامل می شود. مقصود از آن، مجموعه قواعدی است که باید دست اندر کاران رسانه ها، داوطلبانه و براساس ندای وجود در انجام کار حرفه ای خود رعایت کنند، چرا که مقررات و قوانین اجرایی را می توان با یک سیستم اداری به اجرا گذاشت، اما هنجارهای اخلاقی، اصول از این راه قابل تحقق نیست، پس آن را باید به فطرت آدمی واگذشت و از آنجایی که کار رسانه ای حول محور مجموعه ای از مقاومات اخلاقی انجام می گیرد، اخلاقیات نمی تولد جدا از کار رسانه ای باشد.

به هر حال، زملی که بحث اخلاق در رسالت ها مطرح می شود، توجه به سمت ناهنجاری های اخلاقی و برنامه های مبتدل برخی رسانه ها منعطف می شود؛ اما مشکلات مهمی همچون: ادبیات نوشتاری موهن و زبان عاری از نژاکت، هنجار شکنی ها و عملکرد های ضد ارزشی در جامعه، اتهامات بی اساس به افراد و سازمان ها، کاربرد لغات و اصطلاحات بیگله و نامأتوس، پر زنگ ساختن مسائل سلیقه ای، سرقت های ادبی، نشر اخبار نادرست، تغییر نقل قول ها و ... قسمتی از بد اخلاقی های رسالت ای هستند که غالباً در هر جامعه ای وجود دارند.

عدم توجه به هنجارهای



باعث تقویت ارزش‌های اخلاقی در جامعه شود و هم می‌تواند موجب تضعیف یا انحطاط این ارزش‌ها گردد؛ این مساله به محتوا و سیاست‌ها و اهداف کلی هر یک از رسانه‌ها در جامعه بستگی دارد، و نیز رسانه‌ها می‌توانند برآیندی از نیروها و شرایط حاکم بر اجتماع باشد. به هر حال، امید است که رسانه‌های آزاد ما بتوانند ارزش‌های اخلاقی را به فرهنگ عمومی و غالب در جامعه تبدیل کنند.

ادبیات نوشتاری و گفتاری در رسانه‌ها

نقد و انتقاد، از وظایف اصلی رسانه‌ها، اعم از رادیو و تلویزیون و نشریات، در جهت بهبود وضع موجود و گام نهادن به سوی وضع مطلوب است. اما این بدان معنا نیست که برای نقد طرف مقابل و به زانو درآوردن وی، از هر حریه و سلاحی استفاده کنیم. از یک طرف جامعه به آزادی مطبوعات و رسانه‌ها نیازمند است تا نقدهای ممکن شود و از طرف دیگر به قول اعدی هم نیاز دارد تا نقدهای مرزهای اخلاقی را به هم تزویز و از حقوق فردی و جمیعی در برلبر برخی اتحرافات و کج روی‌های رسانه‌ها جلوگیری کند.

باید یادآور شد که با استفاده از نقدهای نیازسایی‌ها و کاستی‌های جامعه و موارد عمومی را تذکر داد، اما باید توجه داشت که لتفاد به تهمت و افتراء نینجامد.

حریم خصوصی افراد:

طبق مفاد صریح قانون اساسی کشور، حریم خصوصی افراد از تعرض مصون است. هیچ کس حق ندارد وارد حریم خصوصی افراد شده و آن را زیر یا بگذارد. اما آیا این مورد در رساله‌های ما حتی به طور نسبی رعایت می‌شود؟ این مسأله خود تنش‌ها و مخاطرات زیادی را، هم برای مردم و هم برای تخبگان سیاسی به وجود می‌آورد که گاه آسیب‌های جبران ناپذیری به افراد و گروه‌های اجتماعی پیدید می‌آورد.

غیر مسلکی بودن ژورنالیست‌ها

غیر مخصوص بودن سیاری از روزنامه نگاران و نیز گزینش غیر اصولی ژورنالیست‌ها در رسانه‌های



کشور، مساله ای است غیر قابل لکار. متسفله هیچ معیار روشنی برای جذب ژورنالیست‌ها وجود ندارد. تعداد رساله‌ها روز به روز افزایش می‌یابند، اما تعداد ژورنالیست‌های حرفه‌ای و کار بلد ما بسیار لذت‌گزینی. از ژورنالیست‌های ما فقط دوره‌ای کوتاه مدت، آموزش دیده‌اند در حالی که تجربه و سواد رساله‌ای کافی ندارند.

این مساله هم باعث لطمۀ زدن به کار رساله می‌شوند و هم، گله‌ی تنش‌های قومی، زبانی و منطقه‌ای را در کشوری مانند افغانستان (که شرایط گذار را طی می‌کند) به وجود می‌آورند و گاه اخبار و گزارش‌های نادرست، ناقص، غیر اصولی و یا کاربرد الفاظ و اصطلاحات غلط و بازاری و نیز اشتباها چایی بسیار زیاد و زنده و ... از جانب همین ژورنالیست‌های غیر حرفه‌ای، حیثیت رسانه‌های ما را لکه دار می‌سازند.

ارجحیت منافع قومی بر منافع ملی:

در یک جامعه آزاد و دموکراتیک برای رسانه‌ها و مطبوعات، قوم گرایی و منطقه گرایی تهدیدی جدی است. لذا از نشر اطلاعات و ارقام یا برنامه سازی و تحلیل اطلاعاتی که احساسات قومی و زبانی را بر لگیزد، باید خودداری کرد.

این امر در بعضی از رسانه‌های کشور، به خوبی در نظر گرفته نمی‌شود و این مساله گاهی صدماتی بر اخلاق رسانه‌ای در کشور پیدید آورده است. هر چند که تعریف روشن و جامعی از منافع ملی وجود ندارد، اما اصحاب رسانه، لاقل آن طور که خود می‌فهمند، باید در راستای حفظ منافع ملی همت گمارند.

به هر حال، آن طور که ذکر شد اخلاق رساله‌ای مفهومی نیست که بتوان با اجماع عمومی، آن را بر روی گلفدی نوشت و آن را به اجرا گذاشت، اما چون راجع به این مسئله بنا به دلایل مختلف، کمتر پرداخته شده است لازم است تا مباحثی کارشناسانه و آکادمیک توسط نخبگان و متولیان امور رسانه‌ای لجام پذیرد.



نود بخش تولید معضل تلویزیون هرات

گفتگو با عبید حمید الہی مدیر
نشرات رادیو تلویزیون ملی هرات

■ مصاحبه کننده: سید سلیمان حسینی

فرهنگ هرات یک فرهنگ باستانی است و اشتراکات زیادی با گشور همسایه دارد و ممکن است خیلی از مسائل، با برنامه های کلی تفاوت داشته باشد، شما در تولید برنامه هایتان تا چه حد توائسته اید مطابق با فرهنگ مردم هرات عمل کنید؟

در تولید برنامه هایی که برای تلویزیون ملی هرات بوده، بیشتر خواستیم که فرهنگ خود مردم هرات و دلشته های اینجا را برای جوان و نسل امروز ارائه بکنیم. تلویزیون ملی در کابل، برنامه های متعالد دارد، چرا که ناچار هستند تمام ولایات را در نظر بگیرند، به این لحاظ بوده که مسئولین در ولایت هرات نظر بر این داشتند که تلویزیون هرات در کتاب برنامه هایی که از تلویزیون مرکز ارائه می شود، برنامه هایی هم برای مردم هرات داشته باشد. به این منظور سعی شده که آنچه نیاز اش جامعه است و برای این شهر ضروری است در نظر گرفته شود.

آیا برای تولیدات تلویزیون هرات، با سایر تلویزیون ها هم تعامل داشتید یا صرفاً با همکاری مسئولین هرات صورت گرفته اند؟

تلویزیون ملی هرات بیشتر به عنوان تلویزیون مادر بوده است و اکثر کارمندان تلویزیون های خصوصی که در هرات فعالیت دارند، در اینجا آموختند و برای کارهای تلویزیونی و رسانه ای در اینجا تجربه کسب کرده اند و رفته بیشتر اینجا تلویزیون

تلویزیون هرات چهار در عرصه تولید برنامه های دینی کار کرده است؟

جمعیه هرات بدون شک یک جامعه سنتی است و مردم به این مسائل بسیار لهیت می دهند و تلویزیون ملی هم با توجه به اینکه باید برنامه های آموزشی در حوزه های مختلف به وردیه در حوزه دین داشته باشد، همیشه سعی کرده که برنامه های آموزشی دینی در صدر برنامه های تلویزیون هرات باشند

حضور علماء در برنامه های تلویزیونی تا چه اندازه پررنگ است؟

ما بیشتر سعی کردیم که علمای فہیم را در برنامه ها دعوت بکنیم، کسلی که حرف برای گفتن دارند و الحمد لله تعداد این بزرگواران در هرات کم نیست و توائسته اند برنامه های خوبی را برای مردم ارائه بکنند، چه در برنامه های زنده که ما تملی های تلفنی از بینندگان داریم و چه در برنامه هایی که به صورت کارشناسی بی ریزی می شوند و در آن برنامه ها مسلسل روزتر و عمیق تر با علمای دین بحث می شود.





بودجه آور باشد و از طرف برنامه ریزان، کمک های در خور توجهی انجام شود؟

متلفله وضعیت در افغانستان هنوز طوری هست که لروز تلویزیون ملی کم ترین بودجه را دریافت می کند، وزارت اطلاعات و فرهنگ ما یابین ترین بودجه ای که به وزارت های سی و چند گله اختصاص داده می شود را دریافت می کند و آنها هم به دلیل کمبود مکانات، فکر نمی کنم متمایل به اجرای چنین برنامه ای بشنند، همچنین بیشتر موسساتی که در داخل هرات فعالیت دارند و ما توانسته ایم یک مقدار لذکی از کمک های آنها استفاده بکنیم، بیشتر مردبوط به کشور های اروپایی اند و من تصور نمی کنم چنین برنامه ای برای آنها جذبیت داشته باشد.

سوال آخری که از شما دارم این است که اگر از مهاجرین کسانی پرگردند که در عرصه سینما و دین گلر گرده باشند، شما چقدر گنجایش استفاده و به کل گیری از آنها دارید؟

متلفله در بحث استخدام ما هنوز بخش تولید نداریم، ولی من فکر می کنم کسی که فعالیت آکادمیک و تخصصی می کند، در قسمت تولید برنامه های دینی حوزه سینما مؤقتی هایی داشته بشنند و مطمئن هستم که می توانند در اذهان عمومی تاثیر ورژه بگذارند و در رساله های مختلف جذب شوند و شروع به کار کنند.

تا حالا شده که در برنامه های دینی، فیلمی را توسط گلشنیسان مذهبی بررسی بکنید؟

نه، متلفله سینمای ما هنوز بر این حوزه تکیه نکرده و به این مساله توجهی نشده و فکر نمی کنم که این مساله، حتی مورد توجه علمای دین قرار گرفته باشد، به این لحاظ کمتر به این موضوع توجه شده است.

در حال حاضر تلویزیون پیشتر از متبر در عرصه تبلیغ کاربرد دارد، تا چه حد از ورود علماء در عرصه تولید فیلم استقبال می کنید؟

تلوزیون هرات در بخش تولید فیلم و سینما با کمبود مکالمات مواجه است و متلفله در وظایف تلویزیون هرات چنین چیزی نگذیده، ما تحدیده سینما گران و مدیریت عمومی افضل فیلم را داریم که در ساخت و ساز فیلم و رشد سینما کار میکند و اینها زیر مجموعه ریاست عمومی اصلاحات و فرهنگ هستند و من فکر می کنم راه لنزاری این مساله برای علماء، یکی از وظایف ریاست اصلاحات و فرهنگ و با تحدیده سینما گران بشد. متلفله تلویزیون هرات توان اینکه چنین مساله ای را به لنزاری بکند ندارد و به این لحاظ چنین اقدامی تا حالا صورت نگرفته است.

گمان نمی کنید که اگر چنین اقدامی صورت بگیرد پرایتان

مطبوعات افغانستان

از انحصار طلبی تا تکثیر گرایی



■ رقیه علوی



حدود ۱۴۰ سال از عمر روزنامه نگاری در افغانستان می‌گذرد و در این سالها، مطبوعات افغانستان تجربه‌های مختلفی را در نظام‌های استبدادی، دموکراتی، کمونیستی و لفگانی داشته است. کشور افغانستان با منتشر «شمس النهار» چهارمین تجربه منتشر مطبوعات فارسی زبان در جهان را کسب نمود و در حال حاضر نیز مطبوعات کشور، در فضای جنگ و خودزی همچنان به منتشر خود ادامه می‌لشند.

روزنامه شمس النهار با مسئولیت میرزا عبدالعلی خان در ۱۲۵۲ میلادی تأسیت شد، به عنوان نخستین روزنامه افغانستان به مردم این کشور معرفی شود.

شمس النهار در ماه دو یا سه مرتبه، در ۱۶ صفحه منتشر می‌گردید و مقالات آن عمده‌تاً توسط یکی از افراد فرهنگی آن روزگار به نام عبد القادر پیشاوری نوشته می‌شد. علاوه بر آن، چند مترجم نیز در این نشریه حضور داشتند.

همزمان با به قدرت رسیدن عبدالرحمن خان، منتشر شمس النهار نیز متوقف شد؛ اما در سال ۱۹۰۱ میلادی با روی کار آمدن امیر حبیب الله خان، منتشر شمس النهار نیز از سر گرفته شد.

دوران حکومت حبیب الله خان رامی توں دوران شکل گیری مطبوعات نوین در افغانستان نام گذاری کرد، دلیل اصلی این نام گذاری، منتشر نخستین نشریه مدرن و نوین تاریخ افغانستان، یعنی «سراج الاخبار» است. این نشریه در ۹ میزان ۱۲۸۱ تا ۳ دلو ۱۲۹۷ هجری شمسی در

زمان امیر حبیب الله خان در دو مقطع به نشر رسید. در مرحله اول، مسئولیت آن را عبدالرؤوف قندهاری بر عهده داشت و تهایا پس از منتشر یک شماره در سال ۱۲۸۴ متوقف شد. مرحله دوم نشر سراج الاخبار، پس از شش مال در تاریخ ۱۲ مهر ۱۲۹۰ شمسی می‌پاشد که مسئولیت این راحمود طرزی بر عهده داشت. در این زمان سراج الاخبار هر ۱۵ روز یک بار منتشر می‌شد که نقش مهمی در شکل گیری اجتماع سیلیسی مردمان آن دوره نداشت. در این میان، محمود طرزی برای اولین بار اندیشه‌های نوین تجدد طبله را در سراج الاخبار منتشر کرد.

سراج الاخبار در آن دوره رسله‌ای بود که

کودکان افغانستان، و ده‌ها نشریه دیگر لشاره کرد. غیر از نشریات فوق در کابل، نشریات دیگری فیز در سایر ولایت‌های افغانستان نیز منتشر می‌شد که از نا محمد نام داشت. از منظر محتوایی، سراج الاخبار افکار ملی گرایانه را منعکس می‌کرد و گزارشات ضد لفگانی داشت. این رویکردها باعث شد که لفگانی‌ها حبیب الله خان را تحت فشار قرار دهند و در نهیت، منتشر نشاند. بعد از هشت سال ممنوع شد. در زمان امیر حبیب الله، روزنامه نگاری در افغانستان مورد توجه قرار گرفت و کسانی مانند محمود طرزی در حکومت جایگاه یافتدند.

بعد از سراج الاخبار نشریات تازه‌ای شکل گرفتند که می‌توان به ارشاد النسوان (اولین مجله زنان افغانستان در دوران معاصر) لشاره کرد. نشریه ارشاد النسوان در دفاع و بالا بردن سطح فکری زنان به نشر می‌رسید.

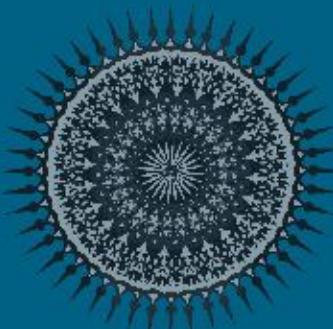
این روزنامه تحت نظر ملکه ڈریا همسر امیر الله خان منتشر می‌شد. مسئولیت این روزنامه را لسم رسمیه، همسر محمود طرزی، و سرپریزی آن را روح افزا، دختر محمد زمان خان خازن الملک بر عهده داشت.

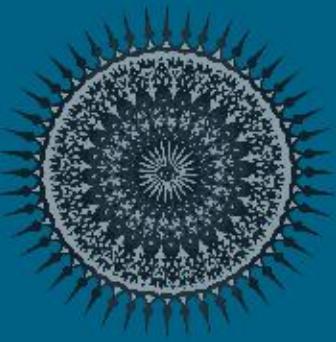
در تاریخ ۱۹۲۷ اولین شماره چریده نیس در شهر کابل منتشر شد، که قاتمه روز، پس از چند بار متوقف به نشر خود ادامه داده است. از دیگر نشریات دوران امیر الله خان می‌توان به سراج الاخبار، اولین نشریه



که از جمله می‌توان به بند ۱۱ قلوب اسلی لشاره کرد. این بند حق منتشر نشاند. اما فعالیت‌های رسمی آن در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی، شروع شد در دوران امیر الله خان نخستین قانون مطبوعات افغانستان به وجود آمد و در قانون اسلامی پندت‌هایی ذریز به مطبوعات اختصاص یافت، که از جمله می‌توان به بند ۱۱ قلوب اسلی لشاره کرد. این بند حق منتشر نشاند. اما فعالیت‌های رسمی آن در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی، شروع شد در دوران امیر الله خان نخستین قانون مطبوعات افغانستان به وجود آمد و در قانون اسلامی پندت‌هایی ذریز به مطبوعات اختصاص یافت، که از جمله می‌توان به بند ۱۱ قلوب اسلی لشاره کرد. این بند حق منتشر نشاند. اما فعالیت‌های رسمی آن در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی، شروع شد در دوران امیر الله خان نخستین قانون مطبوعات افغانستان به وجود آمد و در قانون اسلامی پندت‌هایی ذریز به مطبوعات اختصاص یافت، که از جمله می‌توان به بند ۱۱ قلوب اسلی لشاره کرد.

از دیگر اقدامات امیر الله خان در زمینه رسانه‌ها، می‌توان به تلسیس ریاست مستقل رسله‌ها لشاره کرد که





های مطبوعاتی فعال در کشور نیز متصل گردیدند. در واقع با تسلط بنیاد گرایان طالبان در افغانستان، رساله های افغانستان دچار یک رکود بی سلسله شدند. رساله هایی مانند تلویزیون با نگاه اینخواهیزیک آنها به طور کامل مورد بی توجهی قرار گرفتند و آن را تعطیل نمودند، تنها یک رادیو در افغانستان بر تامه پخش می کرد که صدای شریعت نامیده می شد. این رادیو فقط چند ساعت در زمانه در روز داشت و مهمه ترین تربیتون تبلیغاتی طالبان نیز به شمار می رفت.

نشریه رسمی طالبان «شریعت» نام داشت که به صورت هفتۀ نامه در کشور منتشر می شد و در مناطق تحت نفوذ طالبان توزیع می گردید. در این بین، درخی دیگر از روزنامه های قدیمی فوز، به فعالیت خود ادامه دادند لاما به طور کلی دیدگاه امارات اسلامی افغانستان را متعکس می کردند. از جمله این نشریات می توان به «عیواد» و «لئیس» در کابل و «اتفاق اسلام» در هرات لشارة کرد.

بعد از فروپاشی طالبان و برقراری حکومت لتخیلی، مهمه ترین دوران رساله ها در تاریخ معاصر کشور به وجود آمده است، که در سایه استقرار یک حکومت مرکزی و یک نظام سیلیسی دموکراتیک در افغانستان، شاهد ظهور ده ها جریان با گرایش های مختلف در رساله های دیداری، شنیداری و چاپی در سراسر کشور هستیم.

یافتند که فقط و فقط لدیشه ها و آرمان های حزب دموکراتیک خلق (کمونیست) را منعکس می کردند. نشریتی که در این دوران در کشور منتشر شدند درخی عبارتند از: «دثور لقلاب»، «پیام»، «حقیقت و ریاز»، «حقیقت لقلاب ثور» و ... در این میان، به نگاه بسیاری از کارشناسان مسلمان رساله ای، دوران ریاست دکتر نجیب الله را باید از دیگر دوره های فرمادرولی چپ گرایان در افغانستان جدا کرد، چرا که در این دوره، بر اثر اتخاذ میلت های تشیع زدایانه تا حد زیادی قوانین حاکم بر مطبوعات کشور تغییر کرد. البته در این زمان تا سال پیروزی مجلهدین، گروه های جهادی هم صدھانش ره با تیرانزهای کم و زیاد به وجود آورند، لاما با وجود این روند، با پیروزی مجاهدین در کابل، روزنامه و روزنامه نگاری تا حد زیادی از رونق پیشین افتاد، لاما چند روزنامه به نام های «کابل»، «بالاحصار»، «صبح امید»، «شهر» و ... نیز منتشر می شدند.

در این حال با آغاز جنگ های داخلی، روزنامه و روزنامه نگاری در افغانستان قبول کرد و در پی آن، بسیاری از ذوسنندگان و اصحاب قلم از کشور خارج شدند و تعداد زیادی از تشکل در میان، تنهان شریاتی اجازه لشار در کشور را

در راستای سلمان دھی اوضاع مطبوعات صورت گرفت.

با سلطنت محمد ظاهر شاه فضای باز تری هم برای مطبوعات کشور به وجود آمد که به افزایش تعداد و شمارگان مطبوعات در کشور منتهی شد. در این دوران نشریات جدیدی ملند هیواد (۱۳۳۸ شمسی به زبان پشتون)، کلله تایمز (۱۳۴۱ شمسی به زبان انگلیسی) و ... ایجاد شد. گذشته از این، در زمینه رساله های دیداری، تلویزیون افغانستان در زمان ریاست جمهوری داود خلن تلبیس شد و فعالیت آزمایشی آن در سال ۱۳۵۷ شروع شد و هر روز یک ساعت در تامه داشت، در میان راه های بعد چند فرستنده دیگر نیز در ولایات تلبیس شد.

در سال ۱۳۵۷ که کودتای هفت ثور در کابل رخ داد، سیستم و نظام مطبوعاتی کشور به شدت تغییر کرد و بسیاری از نشریات توقیف شدند. در آن زمان، تنهان شریاتی اجازه لشار در کشور را





طرزی و بومی سازی ژورنالیسم در افغانستان

سید کسری موسوی زاده

محمود طرزی به سروden شعر نیز علاقه داشت اما نگارش نثر را سوهمند تر از شعر می‌پنگت. او اولین اثر خود را در سال ۱۸۸۸ میلادی با عنوان «سیاست نامه در سعادت» نوشت که محتوای شرح سفر اواز دمشق تا استانبول است. در سال ۱۸۹۰ مقدمه رساله «بیستان معارف» را نوشت. در دوره اقامت در همشق، آرزو های او برای ترقی افغانستان شدت گرفت و این دغدغه را در مقاله ای با عنوان «ژاپون چه بود و چه شد» تعلیم داد. در سن پیست و پنج سالگی تألیف کتاب «بیستان معارف» را تکمیل کرد. این لر بعدا در دو قسمت به نام های «روضه حکم» مجموعه مقالات اخلاقی و حکم و در کتاب «از هر نهن سخنی و از هر چمن سمنی» که مجموعه مقالات الهی و شعار دوران جولی او بوده چلپ رسید.

او در دو سال توقف خود در استانبول، بین سال های ۱۸۹۶-۱۸۹۷ با سید جمال الدین اسدآبادی آشنا می شود و این آشنایی، به دوستی عمیقی می تجاهد، تأثیرگذار و عقاید او در مورد نوگرانی در اسلام

محمود طرزی، در تاریخ اول ربیع الثانی ۱۲۸۲ هجری قمری، مطلبی با اول سنبله ۱۲۴۴ هجری شمسی در غزنی به نخی آمد. او را به حق «پدر ژورنالیسم افغانستان» می نامند چرا که قلم و فعالیت های رسانه های او نقطه آغازی بر فعالیت های حرفه ای رسانه در افغانستان محسوب می شود. در عهد پادشاهی «عبدالرحمان خان» خانواده محمود طرزی، به قلمرو ترکیه عثمانی تبعید شدند. آنها بتدعا در کراجچی توقف کوتله داشتند و سپس به بغداد می روند و پس از اقامته کوتاه، به همشق، مرکز روشنفکری امپراتوری عثمانی مهاجرت می کنند و همان جا ساکن می شوند. در آن زمان محمود طرزی ۱۷ سال بیشتر نداشت.

طرزی جوان به زودی دو زبان عربی و ترکی را می آموزد و سپس به زبان های آلمانی، فرانسوی و لکلیسی نیز در حد ترجمه تسلط پیدا می کند و در همین ایام جولی، آثار زیادی از خود بر جای می گذارد.

«حقوق بین الدول» اثر حسن فهمی پلاسا را از زبان ترکی به زبان فارسی دری ترجمه کرد.

همسایگی در متنلایی کبیر در بخش ذرگی از مژهای شرقی و بیم لکلایسی ها از هر گونه تحول در داخل خاک افغانستان، باعث شد که شخصی چون محمود طرزی نیز، که مناصبی بلند پایه در وزارت خارجه داشت، در پیشبرد قدیمه های ترقی خواهنه اش تنها بمناد، لما او به هر تجویی بود سعی می کرد سراج الاخبار را سرپا نگه دارد.

طرزی ضمن نوشته سراج الاخبار، به ترجمه آثار ادبی اروپایی نیز پرداخت که این ترجمه ها و مقالات، در ادبیات معاصر دری تأثیر بسزایی گذاشت. اولین ترجمه او «جزیره پنهان» اثر ژول ورن بود. سپس دلستان بلندی به نام «جاجعه های پاریس» از یک نویسنده فرانسوی ترجمه کرد که در سراج الاخبار به چلب رسید.

او لشاعر خود را به همراه دلستان های کوتاه و نمایش نامه هایش در عمر هشت ساله مدیریتش در سراج الاخبار چلب و منتشر می کرد و سعیش بر این بود که عameه فهم بوند مطالب را در سراج الاخبار متداول سازد.

او در مورد ادبیات اروپایی مقاله می نوشت و چگونگی ذوشار، سیک، و مختصت این گونه ادبیات را به زبانی ساده تشریح می کرد. محمود طرزی برای اولین بار رمان را به افغانستان معرفی کرد.

شیوه های نوین ادبی برای اولین بار در سراج الاخبار پدیدار شدند، یعنی در ضمن مطالی که در آن نوشته می شد، واژه های ذو و جدید ولدیشه های تاره نیز از این طریق به جمله منقل می شد. برای اولین بار اخبار جنگ هایی که در جهان روی می داد و اخبار اختراعات جدید در سراج الاخبار انعکاس می یافت و موضوعاتی از این قبیل که زیان چیست و آیا زیان قبل اصلاح است در آن مطرح می شد.

او نویش می کرد تاثیری ای را که به نظر او یکی از مهمترین این ایده های اسلامی و تقویت اسلامی افغانستان داشت. توجه محمد طرزی به شعر و نویسنده افغانستان معرفی کند. طرزی با ترجمه آثار ادبیات غرب ملتند رمان، دلستان کوتاه، مقاله های ادبی و شعر، در نظم و تثر زبان فارسی افغانستان دگرگوئی اسلی ایجاد کرد.

قرار می گیرد. صحبت ها و نیدار سید جمال الدین لسد آبادی که آخرین ماه های زندگانی او بود، تأثیر شگرفی در او می گذارد.

محمد طرزی جریان ملاقات های هفت ماهه خود را با سید جمال الدین افغانی که آخرین روزهای حیات سید را در بر می گیرد، طی مقاله های مبسوطی در «سراج الاخبار افغانیه» منتشر کرده است. باید توجه داشت که نوشته های محمود طرزی درباره روزهای واپسین سید، گنجینه تاریخی پر بهایی است که تابه حال در نوشته های هجج کس بهتر از او بیان نگر دیده است.

تحولات اجتماعی در افغانستان همزمان با روی کار آمدن حبیب الله خلن آغاز شد. از جمله این تحولات می توان به تأسیس نخستین مدرسه با نام «لیسه حبیبیه» در سال ۱۹۰۳ و پس از آن «مکتب حریبه» و بالآخره نشان اولین شماره روزنامه سراج الاخبار به مدیریت مولوی عبدالرؤوف در ۱۹۰۶ میلادی اشاره کرد.

هر چند سراج الاخبار پس از نشر یک شماره توقیف می شود، لاما پنج سال پس از آن، در ۱۹۱۱ بار دیگر و این بار به مدیریت محمد طرزی مجددا منتشر می شود.

او که با تقدیرات سید جمال الدین در استنبول آشنا شده بود، بعد از بازگشت به افغانستان، افکار سید جمال الدین را به مردم بлагه کرده و تولیت به کمک قائم و قدرت نویسنده خود، قدم بزرگی در اتحاد مسلمانان آن دوره بردارد.

نشان سراج الاخبار از مهم ترین رویدادهای زندگی محمود طرزی و تاریخ مطبوعات افغانستان بود که باعث شد وی به عنوان پدر مطبوعات افغانستان لقب گیرد و در واقع، آغازگر فعالیت های روزنامه نگاری به شیوه نوین در کشور بشود. طرزی با تفویضی که در حکومت داشت توافق نشان سراج الاخبار را که قبل از او فقط یک شماره منتشر شده بود، دوباره از سر گیرد و نشان آن را تداوم نهد و ادبیات اروپایی را به جامعه افغانستان معرفی کند. طرزی با ترجمه آثار ادبیات غرب ملتند رمان، دلستان کوتاه، مقاله های ادبی و شعر، در نظم و تثر زبان فارسی افغانستان دگرگوئی اسلی ایجاد کرد.

توجه محمد طرزی فقط به شعر و نویسنده مغطوف نبود، بلکه او به علوم سیلی و حقوق نیز علاقه بسیاری داشت. چنلچه در سال ۱۸۹۷ م رساله



از آنچه گفته شد به این نتیجه می رسیم که سراج الاخبار و انتیشه های تجدد طبله طرزی، تأثیر بزرگی بر جوانان تجدد خواه و قشر تحصیل کرده افغانستان داشت. سراج الاخبار از همان آغاز تشریف خود، هدفمندانه و با زبانی ساده به فعالیت های نوگرایی پرداخت و با رویکردی ضد استعماری و اصلاح طبله، نقش مهمی در آگاهی توده مردم ایفا کرد.

مطلوب ضد استعماری، دعوت به وحدت و تقدادت او بر احوال داخلی کشور، در صفحات سراج الاخبار و سایر آثار او مشاهده می شود. همچنین مقاله ها و نوشته های او درباره استقلال سیلی افغانستان، بسیار برجسته و پر جسته است.

تفکرات نوگرایله او و شیوه های نوین ادبی که طرزی برای اولین بار به پیکر جامعه ادبی افغانستان تزریق کرد، و خدمات او به نخبای روزنامه نگاری افغانستان، که نقطه آغازی بر فعالیت های حرفة ای رسانه در این کشور محسوب می شود، باعث شده است که او را «پدر ژورنالیسم افغانستان» لقب دهند.

- ◀ کسب مقام اول فصلنامه کلیک در طراحی و صفحه آرایی (جشنواره تولمندی های طلاب، مرکز جهانی علوم اسلامی)
- ◀ کسب مقام دوم در بهترین نشریات
- ◀ کسب مقام اول سایت لجمن
- ◀ نشر ۱۴ شماره از فصلنامه کلیک به همراه ۴ ویژه نامه
- ◀ ارسال ده ها جلد کتاب به موسسات و هیئت های منتهی
- ◀ شرکت در دوین نشست تدبیه و قلم
- ◀ ارائه نسخه الکترونیکی فصلنامه و ارسال به اعضای سایت

- ◀ اجرای طرح بزرگ شور و نشاط و سلامت مصاحبه با شخصیت های مطرح علمی، فرهنگی، سیاسی افغانستان
- ◀ آغاز به کار نمایندگی هرات
- ◀ ارسال بسته های فرهنگی، شامل قرآن و سایر کتب به مناطق مرکزی افغانستان
- ◀ شرکت در جشنواره تولمندی های طلاب مرکز جهانی علوم اسلامی - قم
- ◀ شرکت در اولین نشست فرهنگی تدبیه و قلم در گزاری مراسم سوم حوزا (روز ملی معلم) با همکاری کسوگری افغانستان
- ◀ راه لذاری وی سایت لجمن درای اطلاع رسانی بین المللی و ارائه فعالیت های این لجمن
- ◀ فراخوان عمومی با موضوع «افغانستان، دین، تجدد و آینده» و لهدای جواز به برندگان این فراخوان

- ◀ تلسیس واحد آموزش با مقاطع مختلف تحصیلی (بتداییه، متوسطه و لیسه)
- ◀ برگزاری اعياد و جشن های منتهی و ملی
- ◀ ایجاد دار القرآن و اهداء بسته های فرهنگی، قرآنی

۱۳۸۶

۱۳۸۵

۱۳۸۴

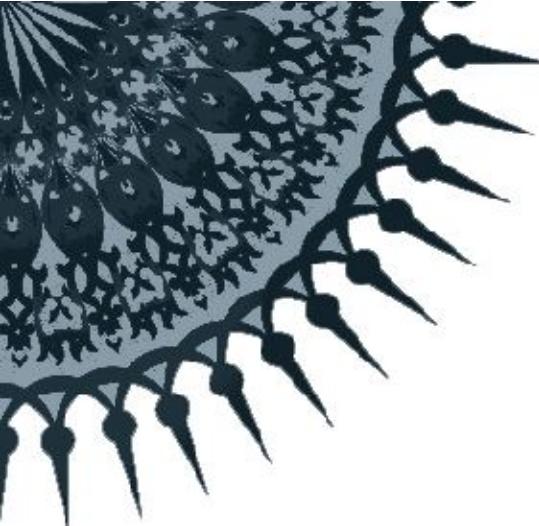
۱۳۸۳

۱۳۸۲

- ◀ نشر ویژه نامه ها در مناسبات مختلف سال
- ◀ برگزاری اردوهای تقریبی و آموزشی
- ◀ برگزاری جشن بزرگ غدیر

- ◀ نشر فصلنامه علمی، فرهنگی، اجتماعی «کلیک»

مروایی بر فعالیت های «انجمن فرهنگی تبلو اند پیشہ»:





- ◀ تبدیل کامل آرشیو مسلیق به نسخه الکترونیکی، با قابلیت های جستجو، بوک مارک، پرینت و اشتراک گذاری در شبکه های اجتماعی
- ◀ راه لذاری کتابخانه تخصصی افغانستان شناسی برای اعضاء تحریریه
- ◀ ارتقاء و گسترش فعالیت های لجمن در عرصه سایبر
- ◀ دعوت از اساتید مجروب در زمینه مدیریت فرهنگی برگزاری نشست های هم تدبیری با عنوانی:

 - ١ «افغانستان، روحانیت و جامعه محاری»
 - ٢ «افغانستان، آینده و چالش های دینداری»

- ◀ برگزاری دوره کامل آشنایی با فضای سایبر

- ◀ تغییر رویکرد لجمن برای تولید محتوا
- ◀ ایجاد شورای عالی تصمیم گیری بر فعالیت های لجمن
- ◀ ایجاد کتابخانه افغانستان شناسی برای اعضای لجمن
- ◀ تولید محتواهای الکترونیکی
- ◀ تولید و پشتیبانی از سایت های اطلاعات علمی افغانستان
- ◀ تهیه پروژوال نایرہ المعارف الکترونیکی برای تولید محتوای غنی
- ◀ آغاز به کار نمایندگی مزار شریف

- ◀ تشکیل گروه اینترنتی لجمن برای گسترش در فعالیت های وب
- ◀ تولید نرم افزار های مولتی مدیا
- ◀ الف: حجاب در ادیان
- ◀ ب: سخنرانی های برتر
- ◀ ج: کتابخانه دیجیتال

١٣٩١

١٣٨٩

١٣٨٨

١٣٨٧

۳۵۲ پاییز
۳۵۱ نوامبر
۳۵۰ دی
۳۴۹ نهمین
۳۴۸ هشتمین
۳۴۷ هفتمین
۳۴۶ ششمین
۳۴۵ پنجمین
۳۴۴ چهارمین
۳۴۳ سومین
۳۴۲ دومین
۳۴۱ اولین

- ◀ برگزاری مسابقات قرآنی، حدیثی و احکام برای مخاطبین لین واحد دعوت از قعلان قرآنی و اجرای برنامه توسط آنل (ریاست جمیعه قاریان و حافظان افغانستان، نفر اول قرائت شلزدهمین المپیادین المللی قرآن و حدیث جمیعه المصطفی العالمیه و...)
- ◀ تغییر رویکرد لجمن در نشر فصلنامه کلیک، از نشر کلفتی به نشر الکترونیکی، برای جذب مخاطب بیشتر و امکان تکثیر سهل الوصول و در نسخه من قرار گرفتن راحت تر این فصلنامه در افغانستان و سایر نقاط مورد نیف
- ◀ گفتگو با مسئولین بلند پایه فرهنگی و اجتماعی افغانستان، در راستای پیدا کردن نقاط قوت و ضعف فعالیت های فرهنگی و شروع فعالیت های موثر
- ◀ تهیه، تولید و ارسال «نرم افزار قرآنی تلاوت» برای تعلیمی مدارس علمیه مسرسر کشور افغانستان
- ◀ تولید فصلنامه لکترونیکی کلیک به صورت کله لاترم افزاری با قابلیت های متنوع ارائه ٧ مقاله از همکاران ثبت و همکاران فتحواری در سایت لجمن
- ◀ جغرافیا، تاریخ، هنر، رسالت، فرهنگ و اجتماع
- ◀ برگزاری دوره آموزش و ملأ ذهنی

- ◀ کسب تقدیر بابت تولید نرم افزار قرآنی تلاوت
- ◀ تولید فصلنامه الکترونیکی اندیشه نو
- ◀ تشکیل گروه اینترنتی گوگل
- ◀ ورود به شبکه های اجتماعی
- ◀ تغییر نامین سایت از tabalwor4t.com به tabalwor.com

لجمن

قانون رسانه‌ها؛ رسانه‌های قانونی؟!

بر اجرای درست این قولین وجود دارد؟ بعضی از برنامه‌های ظلمرا هنری تاوزیون های خصوصی، مغایر با روحیه اخلاقی و سنت های ملی و اسلامی مال است و همچینین به بنیاد خلوده‌ها تیز صلحت غیر قابل جرقی را وارد می‌سازد. به نظر می‌رسد اهمیت نظرات بر قولین رسانه‌ها، ضروری تر و مهم‌تر از تصویب خود قولون رسانه‌های همگانی در کشور است.

حرمت، تحقیر و توهین به اشخاص حقیقی و یا حکمی گردد.

۴- آثار و مطالibi که افراط به اشخاص حقیقی یا حکمی بوده و سبب متضرر شدن شخصیت و اعتبار آنان گردد.

۵- آثار و مطالibi که مغایر قولون اسلامی بوده و در قولون جرائم محسوب شود.

۶- آثار و مطالibi که به امنیت روانی و سلامت اخلاقی فراد جمعه، خصوصاً اطفال و نوجوانان آسیب می‌رسند.

۷-

حال، با بررسی وضع موجود و نگاه به حال فعلی رسانه‌های افغانستان باید پرسید: این قولین چقدر اعمال می‌شوند؟ آیانظرارتی

قولون رسانه‌ها، مجموعه‌ای است از قواعد و مقررات، که از سوی قولون گذاران برای تنظیمهای رسانه‌ها وضع می‌شود. قولون رسانه‌ها، کارکردهای تمام رسانه‌ها و گزارشگران را در یک چارچوب هژه رده‌بندی می‌کند و به کار رسانه‌های همانظمه و ترتیب می‌نهاد.

در سال ۲۰۰۷ میلادی قولون به نام قولون رسانه‌های همگانی در افغانستان به تصویب رسید که هدف از آن «امانی حق آزادی فکر و بیان و تنظیم فعالیت رسانه‌های همگانی در کشور» اعلام شد.

در ماده ۴۵ قولون رسانه‌های همگانی افغانستان آمده است:

تولید، تکثیر، چاپ و نشر گزارش‌ها و مطالب ذیل در رسانه‌های همگانی و مؤسسه‌ت، مندرج ماده بیست و هشت‌م این قولون جوار ندارد:

۱- آثار و مطالibi که مغایر با اصول و احکام دین مقدس اسلام بلند.

۲- آثار و مطالibi که موجب هتك



اخلاق رسانه‌ای خلاء قانون را پرمی کند

یه ویژه در جامعه‌ای مثل افغانستان، که یک جامعه گلملای سنتی محسوب می‌شود، اخلاق حرف اول را می‌زند و دایره شمول اخلاقیات و قولون از لحاظ وسعت مشابه‌اند. از طرف دیگر، پرسی صنعت رسانه‌ای نشان می‌دهد که تعداد کثیری از خبرنگاران، خود از قولون رسانه‌های از خبرنگاران، خود از قولون رسانه‌های کشور درک درست و عمیقی ندارند.

پسیلری از حقوق‌دانان بر این یاوری د که آشتایی با قواعد اخلاق رسانه‌ای و پلیتیکی به آن، باعث درگ درست قولون رسانه‌ها می‌شود. یا توجه به این توجیه حقوقی، اخلاق رسانه‌ای می‌تواند به فهم قانون و اجرایی شدن آن کمک کند.

نمی‌تواند رسانه‌ها را به نیروی چهل‌م قدرت تبدیل کند.

به این معنا که اولاً قولون رسانه‌ها به بی‌زوین نیاز دارد که نفس اخلاق رسانه ای است و از طرف دیگر اجرای قولون نیز پسیل ممکن است.

باتوجه به این مساله‌ما در افغانستان با دو حالت رویه رو هستیم: یکی عدم اجرایی شدن قولون در بعضی از موارد، و دیگری نداشتن یک سند ملی تحت عنوان اخلاق رسانه‌ای. در واقع اخلاق رسانه‌ای بسته‌انه قولون رسانه‌ها به شمار می‌رود و خلاهای قولون رسانه‌هارا بر می‌کند. اگر قواعد حقوقی منتشر اخلاقی دارند.

رسانه‌ها در جوامع مردم سalar به عنوان رکن چهل‌م قدرت نلقی می‌شوند. تا پتوانند در آنکه مردم سهم فعال داشته باشند و همچنین بر کارکردهای حکومت و دولت نظرات کنند.

همان طوری که ارگان سه‌گانه دولت، نیاز به قواعد رفتاری دارند، رسانه‌های از این امر مستثنی نیستند و به قواعد رفتاری به منظور گلگرد درست احتیاج دارند.

در گل رسانه‌ها توسط دو قاعدة عمومی تنظیم می‌شوند: قولون رسانه‌ها و اخلاق رسانه‌ای در افغانستان، هرجندگفته می‌شود، یکی از بهترین قولین منطقه را در عرصه رسانه‌ای دارد، اما انتها قولون خوب

